دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۸، ش۷ (پیاپی ٤٢)، ویژه‌نامهٔ زمستان ۱۳۹٦، صص۲۹۱-۳۱٤

بررسی ادراک گویشوران فارسی‌زبان از تنوع سبکی در زبان فارسی

احمد صفارمقدم[۱]، آتوسا رستم‌بیک تفرشی[۲*]

۱. استاد پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
۲. استادیار پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۱۲/۸ پذیرش: ۹٦/۳/۲٤

چکیده

پژوهش حاضر که بر پیوستار سبکی زبان فارسی متمرکز است، در چهارچوب گویش‌شناسی ادراکی به بررسی تنوع سبکی می‌پردازد و نحوهٔ ادراک گویشوران فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جملات زبان فارسی را در نظر دارد. هدف پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست که چگونه می‌توان بر مبنای ویژگی‌های زبانی، میزان رسمی بودن یک جمله را تعیین کرد و کدام ویژگی‌های تلفظی، واژگانی و ساختاری بر قضاوت فارسی‌زبانان تأثیر بیشتری می‌گذارند. ابزار گردآوری داده پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۱۵ جمله است که گزارهٔ واحدی را منتقل می‌کند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۷۰ مرد و زن در سه گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)، ۳۰ تا ٤۰ ساله (۲۰ نفر) و ٤۰ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر) هستند که به‌کمک شم زبانی خود، این جملات را بر پیوستاری از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین درجه تحلیل و نمره‌دهی کرده‌اند. پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی و روش تحلیل داده کیفی و کمی است. نتایج نشان می‌دهد که می‌توان با توجه به تعداد عناصر زبانی نشان‌دار سبکی، میزان تقریبی رسمی بودن جمله را اندازه‌گیری نمود. با وجود این، قضاوت گوینده از میزان رسمی بودن یک جمله لزوماً به تعداد عناصر زبانی نشان‌دار سبکی بستگی ندارد و حضور برخی واژه‌ها و عباراتی که به‌لحاظ رعایت ادب در زبان نشان‌دارند، بر قضاوت تأثیر می‌گذارد. به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد که تأثیر انتخاب‌های واژگانی و برخی تغییرات تلفظی بر قضاوت گویشوران بیشتر از سایر ویژگی‌های تلفظی و ساختاری است.

واژگان کلیدی: گویش‌شناسی ادراکی، سبک، تنوع سبکی، ادب زبانی، گونه‌های اجتماعی.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: A.Rostambeik@ihcs.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

۱. مقدمه

زبان فارسی زبان معیار و رسمی ایران است که گونه‌های متفاوتی دارد. بیکر[۱] (2010: 4) گونه را این طور تعریف می‌کند: «اصطلاحی کلی است که می‌تواند به‌جای زبان، گویش و لهجه به‌کار رود، ولی منظور از گونهٔ زبان‌شناختی اجتماعی[۲] پدیده‌ای است که بر مبنای آن گویشوران با توجه به متغیرهای ناحیه‌ای و یا اجتماعی، زبان را به شیوه‌های متفاوتی به‌کار می‌برند». جامعه-شناسان زبان با بررسی متغیرهای اجتماعی مختلف، این گونه‌های زبانی متفاوت را با اصطلاحاتی چون گونهٔ کاربردی (سیاق)[۳]، گونهٔ جنسیتی، سبک[۴] و غیره طبقه‌بندی کرده‌اند. تفاوت‌های سبکی و کاربردی تا حد زیادی مستقل از یکدیگرند (وارداف، ۱۳۹۳: ۹۳). گونهٔ جنسیتی به کاربرد اصطلاحاتی اشاره می‌کند که خاص زنان یا مردان و نشان‌دار هستند، مانند «اِوا خدا مرگم بده!» برای خانم‌ها و «نوکرتم رفیق!» برای آقایان. گویش اجتماعی یا طبقه‌ای[۵] نیز از دیگر مفاهیمی است که مرتبهٔ اجتماعی فرد را نشان می‌دهد (Fromkin et al., 2013: 579). گویش اجتماعی ممکن است با سایر گونه‌های یک زبان تفاوت داشته باشد و مبنای تفاوت این است که «شما چه کسی هستید»، یعنی «به چه طبقهٔ اجتماعی تعلق دارید» (Hasan, 1973: 226). تمرکز پژوهش حاضر بر سبک است. کرسویل[۶] (2004: 12) دربارهٔ سبک می‌گوید: «در مطالعات جامعه‌شناسی زبان، سخن از سبک بسیار به‌میان می‌آید. به‌عنوان مثال، گفتار رسمی نه تنها نشان‌دهندهٔ صورتی از گفتار است که با دقت بیشتری ادا می‌شود، بلکه سبکی است که برای بیشتر بافت‌های عمومی مناسب است. سبک گفتار پدیده‌ای چندبعدی و در عین حال مخاطب‌محور است. به‌عبارتی، هنگام سخن‌گفتن، فرد با توجه به مخاطب خود و نیز سایر مردم، مشخصه‌های سبکی را انتخاب می‌کند». به‌تعبیر پلات[۷] و دیگران (1992: 360) نیز سبک تنوع در گفتار یا نوشتار یک فرد است که بر حسب نوع موقعیت، مخاطب یا مخاطبین، مکان، موضوع مورد بحث و غیره (از خودمانی تا رسمی) در نوسان است. به این تفاوت‌ها در گفتار یا نوشتار، تنوع سبکی می‌گویند که می‌تواند در کاربرد آواهای گفتاری، واژه‌ها، اصطلاحات مختلف و یا ساختارهای متفاوت جمله نمود یابد. ترادگیل (۱۳۷٦: ۱۳۲) به این نکته اشاره کرده است که گونه‌های زبانی‌ای را می‌توان سبک نامید که با رسمیتِ موقعیت پیوند دارند و در امتداد پیوستاری از رسمی تا غیررسمی قرار می‌گیرند. در برخی زبان‌ها، تفاوت مشخصی بین زبان گونهٔ ادبی و زبان گونهٔ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

عامیانه وجود دارد.

با درنظر گرفتن آرای یادشده، سبک از دیدگاه نویسندگان این مقاله درجه‌ای از رسمیت بیان در گفتار یا نوشتار است که بر حسب عوامل مختلف، ازجمله موقعیت، سطح اجتماعی، سن مخاطب/ مخاطبین و مکان و موضوع مورد بحث نمود می‌یابد. رسمیت در پیوستاری از بیشترین تا کمترین درجه قرار می‌گیرد که هرچه بیشتر می‌شود، میزان ادب و جدی بودن بیان نیز افزایش می‌یابد. نویسندگان به چهار درجه از رسمیت اذعان دارند و آن را از بیشترین تا کمترین درجه، یعنی کاملاً رسمی، رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی دسته‌بندی می‌کنند. از این دیدگاه، سبک متمایز از گونه‌های اجتماعی زبان است که بر حسب میزان رسمیت از بیشتر تا کمتر، به‌صورت مهذب، معیار، محاوره‌ای و عامیانه نام‌گذاری می‌شود. تمایز این گونه‌ها هم در زبان گفتار و هم نوشتار برقرار است؛ اما در گونهٔ عامیانه، به‌دلیل بی‌سوادی و کم‌سوادی کاربران، قالب نگارش کاربرد محدودتری دارد. به‌رغم تمایز مطرح‌شده، سبک از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر گونه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. درجات سبک با گونه‌های اجتماعی، به ترتیب یادشده، به‌طور کلی رابطهٔ مستقیم دارد؛ اما در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌توان سطوح متفاوتی از رسمیت را در هر گونه مشاهده کرد، مثلاً گونهٔ عامیانه ممکن است با سبک رسمی همراه شود (سخن گفتن معتادی بی‌سواد در حضور مقام روحانی یا اداری برجسته) یا در گونهٔ معیار و حتی مهذب، عناصری از گونهٔ عامیانه دیده شود (استفاده از کلمهٔ گاهاً و خواهشاً).

در پژوهش حاضر، ادراک گویشوران زبان فارسی از پیوستار سبکی زبان تحلیل می‌شود. چهارچوب پژوهش گویش‌شناسی ادراکی[۸] پرستون[۹] (۱۹۹۹) است که بر بررسی نگرش‌های زبانی و اهمیت زبان‌شناسی عامه[۱۰] تأکید دارد. تحلیل ادراک رسمی بودن زبان فارسی نوآوری پژوهش حاضر است و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که چگونه می‌توان بر مبنای ویژگی-های زبانی، میزان رسمیت یک جمله را تعیین کرد و تأثیر ویژگی‌های زبانی شامل ویژگی‌های تلفظی، واژگانی و ساختاری بر قضاوت فارسی‌زبانان چگونه است.

فرضیه‌های پژوهش به این شرح است: با توجه به تعداد عناصر نشان‌دار سبکی، می‌توان میزان رسمی بودن جمله را محاسبه کرد. گویشور فارسی‌زبان با درنظر گرفتن مشخصه‌های زبان گفتار، برای تعیین جایگاه جمله در پیوستار سبکی رسمیت زبان تصمیم‌گیری می‌کند. همچنین تأثیر برخی ویژگی‌های زبانیِ نشان‌دار سبکی بر قضاوت گویشوران بیشتر از سایر

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

ویژگی‌هاست. به این ترتیب، نتایج پژوهش حاضر اهمیت مشخصه‌های زبانی مختلف در ادراک گویشوران از میزان رسمیت جملات را نشان می‌دهد. یافته‌ها می‌تواند هم از منظر جامعه‌شناسی زبان و هم آموزش زبان فارسی مورد توجه قرار گیرد.

۲. چهارچوب و پیشینهٔ پژوهش

همهٔ گویشوران زبان کاربرد گونه‌های زبانی مختلف را در صحبت با دوستان و اعضای نزدیک خانواده و نیز رئیس و یا مقام رسمی تجربه کرده‌اند. وارداف (۱۳۹۳: ۹۲) میزان رسمیت را به عوامل مختلفی مربوط می‌داند: نوع موقعیت، تفاوت‌های مختلف اجتماعی و سنی طرف‌های گفت‌وگو، نوشتاری یا گفتاری بودن کاربرد زبانی، رابطهٔ احساسی یک یا چند نفر از گویشوران و غیره.

با وجود این، تعریف رسمی بودن یک گفتار چندان آسان نیست. پلات و دیگران (1992: 144) گفتار رسمی را این گونه تعریف می‌کنند: «نوعی از گفتار که در موقعیتی به‌کار می‌رود که گوینده مراقب شیوهٔ تلفظ، انتخاب واژه و ساختار جمله است. این نوع گفتار برای مثال در موقعیت‌های رسمی مانند مناظره به‌کار می‌رود». هِیلیگن[۱۱] و دِوائل[۱۲] (۱۹۹۹) معتقدند «در حالی که این تعریف تصویری از موقعیت رسمی ارائه می‌دهد؛ ولی گفتار رسمی را تعریف نمی‌کند و تنها فرضیه‌ای است دربارهٔ آنچه که گویشور در یک موقعیت خاص به آن توجه می‌کند. بدین ترتیب، معیار اصلی رسمیت گفتار غیرزبان‌شناختی است». برخی از زبان‌شناسان مانند گلاس[۱۳] (۱۹۸۸) تلاش کرده‌اند که سطح رسمی بودن گفتار را با در نظر گرفتن فراوانی واژه‌ها و صورت‌های دستوری که به دو مقولهٔ خودمانی یا دقیق تعلق دارند، مانند «تو» و «شما» و یا حذف جزء فعلی منفی‌ساز در جملات منفی در فرانسه و فراوانی «be» کمکی در زبان انگلیسی، تعریف کنند.

گفتار محاوره‌ای[۱۴] یا غیررسمی به‌تعریف پلات و دیگران (1992: 63)، در واقع همان گفتاری است که به‌طور روزمره و در موقعیت‌هایی که گوینده توجه خاصی به تلفظ، انتخاب‌های واژگانی یا ساختار دستوری ندارد، رخ می‌دهد. گفتار محاوره‌ای لزوماً فاقد اعتبار نیست و نباید آن را گونهٔ مربوط به عوام و یا کم‌شأن‌تر از گونهٔ معیار دانست. گویشوران تحصیل‌کردهٔ یک زبان نیز به‌طور معمول در موقعیت‌های غیررسمی با دوستان و همکاران و اعضای خانواده از گونهٔ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

محاوره‌ای استفاده می‌کنند. به‌گفتهٔ ترادگیل (۱۳۷۶: ۱۴۰) نیز تعریف دقیق رسمیت چندان آسان نیست؛ زیرا عوامل بسیار متعددی ازجمله آشنایی، رابطهٔ خویشاوندی، ادب، جدی بودن و غیره در آن دخیل است. البته اکثر مردم ادراک درستی از رسمی یا غیررسمی بودن زبان‌گونه‌های خود دارند. در زبان انگلیسی، تفاوت‌های سبکی با تفاوت‌های واژگانی و نیز دستوری نشان داده می‌شوند؛ مانند tired در برابر fatigued و یا trip در برابر journey و نیز کاربرد حالت مجهول در سبک‌های رسمی‌تر. در زبان فارسی نیز انتخاب‌های واژگانی، صورت‌های تلفظی و حتی ویژگی‌های ساختاری می‌تواند به‌عنوان عناصر نشان‌دار سبکی بررسی شود. استفاده از ضمیر «تو» و «شما»؛ صورت‌های تلفظی گفتاری واژه، مانند «نون» به‌جای «نان» و تغییرات ساختاری مانند حذف فاعل، مفعول و یا ضمیر موصولی هر یک می‌تواند نشانه‌ای از رسمی یا غیررسمی بودن گفتار باشد. هیملمان[۱۵] (2005: 22) به نوع رخداد ارتباطی به‌عنوان عاملی اشاره می‌کند که رابطهٔ تنگاتنگی با رسمی یا غیررسمی بودن گفتار دارد. پژوهش‌های این حیطه معیارهای مختلفی برای طبقه‌بندی رخدادهای ارتباطی مطرح می‌کنند؛ برای مثال، رسمی در مقابل غیررسمی، ادبی[۱۶] در مقابل محاوره‌ای[۱۷]، برنامه‌ریزی‌شده[۱۸] در مقابل برنامه‌ریزی‌نشده[۱۹]، تفصیلی در مقابل جزئی، انتزاعی در مقابل عینی و نوشتاری[۲۰] در مقابل گفتاری[۲۱].

در پژوهش حاضر، از اصول و روش‌های گویش‌شناسی ادراکی به‌عنوان چهارچوب نظری استفاده می‌شود. پرستون (1999: XXIII) سه روش کلی برای تحلیل‌های زبان‌شناختی معرفی می‌کند: الف. پژوهش‌های زبان‌شناختی، یعنی بررسی آنچه مردم می‌گویند و حاصل آن گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های زبانی است. انگارهٔ (۱) نگرش گویش‌شناسی ادراکی به داده‌های زبانی را نشان می‌دهد:

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

الف´. حالت‌ها و شرایط حاکم برآنچه مردم می‌گویند.

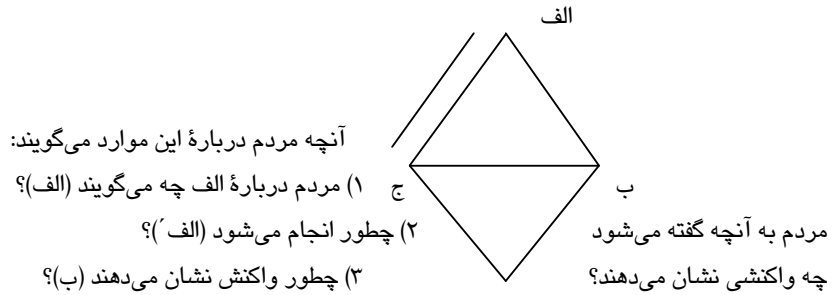

انگارهٔ ۱. سه رویکرد به داده‌های زبانی پرستون (1999:XXIV)

Figure1: Three approaches towards linguistic data (Preston, 1999: XXIV

(الف) در رأس مثلث پژوهش‌های زبانی قرار می‌گیرد و حاصل آن داده‌های زبانی است. پشت این الف، (الف') قرار دارد که نشان می‌دهد زبان‌شناسی نه تنها کاربرد زبان را طبقه‌بندی می‌کند، بلکه به شرایط و نیروهای شناختی، تعامل اجتماعی، جغرافیایی و غیره‌ای می‌پردازد که فراگیری، توزیع، شکل زبان، تغییر و کاربرد آن را تبیین می‌کند. زبان‌شناسان اجتماعی، قوم‌نگاران، روان-شناسان اجتماعی و مردم‌شناسان متوجه می‌شوند که برخی از تبیین‌های زیرساختی در (الف')، به تصورات و باورهای اجتماعی مربوط است که گروه‌ها و افراد از یکدیگر دارند و این نظرات به کاربرد زبان بسیار مرتبط است. بنابراین رویکرد جدیدی در مطالعات زبانی، یعنی (ب)، شکل می-گیرد. ب. نگرش‌های زبانی[۲۲]: در اینجا نیز در پس (ب)، (ب') قرار دارد که حقایقی چون روابط تاریخی بین گروه‌ها، وابستگی‌های روان- جامعه‌شناختی و سازوکارهای مرتبط با آن‌ها و مجموعه‌ای از سایر ارزش‌ها، باورها و کلیشه‌های فرهنگی را دربرمی‌گیرد. ج. بررسی نظر مردم دربارهٔ همهٔ مسائل مرتبط با زبان: آنچه مردم در این باره می‌گویند، متأثر از باورها و نگرش‌های آن‌هاست که (ج') را شکل می‌دهد. (ج) و (ج') بخشی از زبان‌شناسی عام‌اند و گویش‌شناسی ادراکی یکی از زیرشاخه‌های این حیطهٔ کلی به‌شمار می‌آید.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

به این ترتیب، گویش‌شناسی ادراکی بازنمود توجه گویش‌شناس، زبان‌شناس اجتماعی و گونه‌شناس به زبان‌شناسی عامه است و در پی دست یافتن به پاسخ این پرسش برمی‌آید که افراد غیرمتخصص دربارهٔ تنوع چه می‌گویند (Preston, 1999: XXIV). اِوانز[۲۳] (2002: 71) می‌گوید: «به‌طور کلی می‌توان گفت که هدف اصلی گویش‌شناسی ادراکی تعیین میزان آگاهی گویشوران نسبت به تفاوت‌های زبانی است. این اطلاعات معمولاً از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه و واکنش نسبت به نمونه‌های زبانی استخراج می‌شود».

استارکس[۲۴] (2001: 6)، از پژوهشگران تأثیرگذار غیرایرانی در بررسی تنوع سبکی، با اشاره به پژوهش لباو[۲۵] (۱۹٦٦)، ۹ سبک بافتی از عامیانه تا رسمی را شناسایی کرد و برای هر یک راهنماهایی ارائه داد که نشان‌دهندهٔ تغییر از یک سبک به سبک دیگر بود. برای مثال، با شروع بحث دربارهٔ بازی‌های دوران کودکی یا موقعیتی خطرناک، می‌توان تغییراتی در گفتار مصاحبه‌شونده مشاهده کرد که به لحاظ سبکی کمتر رسمی است. وی معتقد است که این روشِ تحریک برای تغییر سبک، در پژوهش‌های جامعه‌شناختی زبان کاربرد فراوان دارد (نگاه کنید به: بایارد[۲٦]، ۱۹۹۵ و هولمز[۲۷] و بل[۲۸]، ۱۹۸۸). لاهیری[۲۹] و دیگران (۲۰۱۱) اشاره می‌کنند که رسمی یا غیررسمی بودن از جنبه‌های مهم سبک است و می‌تواند در تعیین پیشینهٔ اجتماعی یک سند و مخاطبان بالقوهٔ آن نقش داشته باشد. آنان از دو منظر متفاوت به بررسی مفهوم رسمی بودن در سطح جمله پرداخته‌اند: ۱. نمرهٔ رسمی بودن و توزیع آن در مجموعهٔ داده‌ها، اینکه چگونه می‌توان آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرد و چگونه می‌توان این نمرهٔ رسمی را به جملاتی مرتبط کرد که انسان بدان برچسب زده است. ۲. اندازه‌گیری تفاوت ذاتی بین دو قضاوت دربارهٔ یک جملهٔ برچسب‌دهی‌شده. آن‌ها معتقدند که به این ترتیب می‌توان دریافت مفهوم رسمی بودن در سطح جمله تا چه حد ذهنی است.

بررسی پیشینهٔ مطالعاتی که در حیطهٔ تنوع گونه‌های زبانی فارسی و سبک انجام شده، گویای آن است که تاکنون این موضوع از منظر ادراکی تحلیل نشده است. حاجی‌کاظمی (۱۳۸۳) به بررسی ارتباط و همبستگی میان عوامل غیرزبانی جنسیت و تحصیلات و انتخاب نوع کنش گفتاری (مستقیم/ غیرمستقیم)، به‌عنوان یکی از عوامل گفتار مؤدبانه در بیان تقاضا پرداخته است. رضایی (۱۳۸۳) می‌گوید:

آن گونهٔ گفتاری زبان فارسی که امروزه به‌عنوان معیار مطرح است و در بین افراد تحصیل‌کرده و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر رایج است، زبان گفتاریِ رایج در تهران است. در بسیاری از وسایل ارتباط زبانی، نظیر کتاب‌های درسی، نوشته‌های علمی، روزنامه‌ها، نگارش‌های اداری و رسمی و در برخی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون مانند پخش اخبار، از صورت نوشتاری زبان استفاده می‌شود. به این ترتیب، زبان معیار فارسی دو گونهٔ نوشتاری و گفتاری دارد. زبان گفتاری با زبان محاوره یکی است. زبان عامیانه گونه‌ای است که در میان قشرهای بی‌سواد و کم‌سواد و دارای مشاغل کم‌اعتبار رواج دارد.

وی همچنین به مؤدبانه بودن گفتار به‌عنوان عاملی اشاره می‌کند که ارتباط تنگاتنگی با رسمیت دارد و معتقد است در زبان معیار ادب و احترام بیشتری وجود دارد. صفارمقدم (۱۳۸۸) به بررسی پدیدهٔ ادب و مقایسهٔ آن در زبان‌های کره‌ای و فارسی پرداخته است. او اشاره می‌کند که ساختار ادب و احترام در زبان کره‌ای در گذشته پیچیده بوده و هفت سطح یا سبک بیان داشته است؛ در حالی که این پدیده امروزه به‌سادگی گراییده، در چهار سبک رسمی، مؤدبانه، صمیمی و ساده خلاصه می‌شود. در این زبان نمی‌توان جمله‌ای را بدون استفادهٔ درست از نشانه‌های ادب در یکی از سبک‌های چهارگانه ادا کرد. وی به‌نقل از واتس (2004: 50) اذعان می‌کند که صورت-های مختلف رفتار اجتماعی در تمام فرهنگ‌های بشری مشاهده می‌شود و ملاحظهٔ مشترک و متقابل به دیگران وجه مشترک این صورت‌هاست. سپس صفارمقدم تعاریف محققان مختلف از ادب را شرح می‌دهد: لیکاف ادب را پدیده‌ای محصول جامعه می‌داند برای کاستن از اصطکاک‌های تعامل بین اشخاص؛ لیچ ادب را پرهیز راهبردی از اصطکاک تعریف می‌کند و براون و لوینسون ادب را نظام پیچیده‌ای می‌دانند برای کاستن از تهدید و وجهه و غیره.

افخمی و قاسمی (۱۳۸۸) بر مبنای رویکرد زایشی و با پیش‌فرض قرار دادن سبک‌های زبانی به‌عنوان بخشی از توانش زبانی افراد، به ارائهٔ پیوستاری از سبک‌های زبان فارسی پرداخته و برای طبقه‌بندی- بر اساس شم زبانی خود- مثال‌هایی از متون ادبی ارائه کرده‌اند. آن‌ها سبک را متفاوت از گونه‌های زبانی‌ای تعریف کرده‌اند که به‌دلیل عوامل فردی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی در هر زبان وجود دارد. سبک مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی است که در موقعیت‌های اجتماعی معین در گفتار یا نوشتار به‌کار گرفته می‌شود. این پژوهشگران پیوستار سبکی زبان فارسی را شامل سبک محترمانه، رسمی، نیمه‌رسمی، محاوره‌ای و عامیانه می‌دانند.

دباغی و میرزاییان (۲۰۱۰) دربارهٔ کاربرد واژه‌های رسمی و غیررسمی در مکالمات تلفنی فارسی‌زبانان مطالعه کرده و به این منظور، پنجاه مکالمهٔ تلفنی کوتاه فردی ۲۸ ساله را ضبط و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

تحلیل کرده‌اند. آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که فرد در حین مکالمه با همسرش، از صورت‌های کوتاه‌شدهٔ واژه و عبارات عامیانه و خیلی خودمانی استفاده می‌کند. البته در برخی مواقع، مانند ابراز قدردانی و تشکر، کلام و انتخاب‌های واژگانی رسمی‌تر است.

عباسی (۱۳۹۰) به بررسی و مقایسهٔ فرایندهای واژه‌سازی رایج در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای پرداخته است. وی با استفاده از منابع مختلف، ۱۰۸۰ واژه (۵۴۰ واژهٔ علمی و ۵۴۰ واژهٔ محاوره‌ای) را به لحاظ ساختاری تحلیل و ٦ فرایند واژه‌سازی را شناسایی کرده است. این فرایندها شامل سه فرایند اشتقاق، ترکیب، و ترکیب- اشتقاق در گونهٔ علمی و فرایندهای ترکیب، اشتقاق، ترکیب- اشتقاق، تکرار، ترخیم و کوتاه‌سازی در گونهٔ محاوره‌ای می‌شود. در عین حال، بین فرایندهای مشترک در دو گونه نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

غفارثمر و یزدان‌مهر (۱۳۹۱) ساخت‌های گوناگونی را موضوع پژوهش قرار داده‌اند که تحت تأثیر عوامل اجتماعی برای بیان آینده در زبان فارسی استفاده می‌شود. آن‌ها از فارسی گفتاری افرادی که به‌طور طبیعی و روزمره در اطرافشان می‌شنیدند، به‌عنوان داده سود برده و ۹ گونهٔ واژگانی- نحوی را شناسایی کرده‌اند. یکی از معیارهایی که آنان برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر نحوهٔ بیان زمان آینده درنظر گرفته‌اند، درجهٔ رسمیت گفتار است که بر مبنای نوع رابطه بین طرفین گفتمان تعریف شده است. آن‌ها ضمن اشاره به آگاهی‌شان از پیوستاری بودن درجهٔ رسمیت، صورت‌های ثبت‌شده در این پژوهش را در دو دستهٔ رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی کرده‌اند. در داده‌های این پژوهش، صورت‌های غیررسمیِ دربردارندهٔ زمان آیندهٔ فعل در مجموع، ۱۰ برابر اظهارات رسمی بوده و در هر دو صورت رسمی و غیررسمی، استفاده از مضارع اخباری فراوان‌ترین صورت زبانی بوده است. در گفته‌های غیررسمی، ساخت (دارم + فعل) ۱۲ مورد کاربرد داشته است؛ در حالی که در گونهٔ رسمی، هیچ نمونه‌ای از این صورت زبانی دیده نمی‌شود. مدرسی (۱۳۹۱: ۲۲۸-۲۳۲) می‌گوید:

> به‌طور کلی برای هر زبان می‌توان یک پیوستار سبکی قائل شد که از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین سبک‌ها را دربرمی‌گیرد. تعداد گونه‌های سبکی در همهٔ زبان‌ها یکسان نیست؛ اما به‌طور معمول، زبان‌شناسان بین سه تا پنج سبک برای زبان‌های مختلف قائل شده‌اند. به‌عنوان مثال، مارتین جوس (1961: 11) برای زبان انگلیسی پنج سبک پیشنهاد نموده و هاج[۳۰] (1957: 364) برای زبان فارسی چهار سبک قائل گردیده است که عبارت‌اند از محاوره‌ای، محتاطانه، رسمی عادی و رسمی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

محترمانه. اما به‌نظر می‌رسد در فارسی به‌طور کلی دو سبک رسمی و غیررسمی وجود دارد که می‌توان برای هر یک از آن‌ها دو سطح جداگانه قائل شد. در ایجاد تمایز در میان گونه‌های سبکی مختلف، ویژگی‌های زبانی گوناگون در سطح واژگان، دستور و تلفظ دخالت دارند.

خجسته و نادرنیا (۲۰۱٦) به بررسی زبان عامیانه در ترجمهٔ رمان و راهبردهای اتخاذشدهٔ سه مترجم مختلف پرداخته و این راهکارها را با الگوی مک کریمون[۳۱] (۱۹٦۳) مقایسه کرده‌اند. مک کریمون ویژگی‌های زبان عامیانهٔ انگلیسی را به این شرح بیان می‌کند: در این گونه، کلمات نسبتاً کوتاه و ساده- که معمولاً به لحاظ دستوری کامل نیستند و ابزار بلاغی اندکی دارند- به‌کار گرفته شده است. استفادهٔ زیاد از اختصارها و صورت‌های کوتاه‌شدهٔ کلمات، حذف ضمایر موصولی، کاربرد اصطلاحات عامیانه، ساختار دستوری ساده‌شده (که بیشتر بر ساختارهای استعاری تکیه دارد و گاهی به تمایزهای دستور ساخت‌گرا بی‌توجه است) و نیز لحن آشنا یا خودمانی (که نویسنده به‌وسیلهٔ آن تلاش می‌کند بر خواننده تأثیر بگذارد) از مشخصه‌های دیگر آن است. خجسته و نادرنیا نتیجه گرفته‌اند که در ترجمه برای نشان دادن زبان محاوره‌ای، از راهبردهایی چون حذف، افزایش و ترجمهٔ محاوره‌ای، هم‌معنایی و بسط استفاده شده است.

اسمعیلی (۱۳۹٤) نیز به بررسی الگوهای زبانی غیرمعیار فارسی در مکاتبات اداری پرداخته است و با بررسی و تحلیل ۱۵۲ نامه و بخش‌نامه مشتمل بر ۱۰۰۰ جمله الگوهای غیرمعیار را شناسایی کرده و صورت معیار را نشان داده است.

۳. روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده به روش میدانی و با پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته، که روایی آن به تأیید جمعی از متخصصان این حیطه رسیده بود، صورت گرفته است. به‌منظور بررسی ادراک گویشوران فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جمله، از پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۱۵ جمله استفاده شد که گزارهٔ واحدی را با درجات متفاوتی از رسمیت منتقل می‌کنند:

۱. من به آن‌ها گفتم که باید از این خانه بروند و هرگز به اینجا بازنگردند.
۲. بهشون گفتم برنُ هیچ‌وختم دیگه برنگردن.
۳. من به آن‌ها گفتم که باید از این خانه برونُدُ هیچ‌وقت به اینجا برنگردند.
۴. بشون گفتم برن گم شن از این خونه دیگه برنگردن.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

۵. بشون گفتم بایس از این خونه برنُ هیچ‌وقتم دیگه برنگردن.

۶. گفتم باید از این خونه برن دیگه‌م هیچ‌وخت برنگردن.

۷. من بهشون گفتم که باید از این خونه برنُ هیچ‌وقت به اینجا برنگردن.

۸. من به اونا گفتم که باید از این خونه برنُ هیچ‌وقتم به اینجا برنگردن.

۹. بشون گفتم گورِشونُ گم کنن بیرون از این خونه وُ دیگه پاشونو اینجا نذارن.

۱۰. بشون گفتم برید گم شید بیرونُ دیگه‌م این طرفا پیداتون نشه.

۱۱. به اون خاک‌برسرای کثافت گفتم برن گم شن از این خونهٔ نکبت بیرونُ دیگه‌م ریخت نحسشونُ اینجا نبینم.

۱۲. گفتم از این خونه برن دیگه‌م بر نگردن.

۱۳. به آن‌ها گفتم که باید این خانه را ترک کنند و هیچ‌گاه به اینجا بازنگردند.

۱۴. من به آن خاک‌برسرهای الاغ گفتم که بروند و هرگز اینجا برنگردند.

۱۵. بابا جون، بهشون گفتم از این خونه برن دیگه برنگردن.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۷۰ مرد و زن در سه گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)، ۳۰ تا ٤٠ ساله (۲۰ نفر) و ٤٠ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر) بودند که این جملات را بر پیوستاری از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین درجه قرار دادند. پاسخ آن‌ها با یکدیگر و نیز با نمرهٔ میزان رسمی بودن جمله-های پرسش‌نامه مقایسه شد. تفاوت‌های بین جملات پرسش‌نامه در سه مقولهٔ تلفظ، انتخاب‌های واژگانی و ساخت جمله قابل قیاس است:

تفاوت‌های تلفظی: آن‌ها، اونها ، اونا/ بهشان، بهشون، بشون/ هیچ‌وقت، هیچ‌وخت؛

تفاوت‌های واژگانی: هیچ‌گاه، هرگز، هیچ‌وقت/ ترک کنند، بروند بیرون، گم شوند بیرون، گورشان را گم کنند؛

تفاوت‌های ساختاری: کاربرد ضمیر متصل و منفصل/ حضور یا عدم حضور ضمیر موصولی/ نقل‌قول مستقیم و غیرمستقیم/ فاعل دستوری آشکار و مستتر/ حذف مفعول غیرمستقیم.

در تهیهٔ پرسش‌نامه به این نکته توجه شد که چند عنصر زبانی نشان‌دار سبکی به‌طور هم‌زمان، در جملات حضور داشته باشد تا نتیجهٔ پژوهش رقابت بین این عناصر در میزان تأثیر بر قضاوت گوینده را نشان دهد. نکتهٔ دیگری که در پرسش‌نامه بررسی شد، تأثیر رعایت ادب بر

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

قضاوت گویشوران فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جمله است. به این منظور، با گنجاندن ناسزا[۳۲] در جملات رسمی و غیررسمی، تأثیر آن بر قضاوت مشارکت‌کنندگان مطالعه شد. همچنین بر نفوذ به‌کارگیری اصطلاحات عامیانه در برداشت گویشور فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جمله‌ها تأکید شد. در برخی جملات، از ناسزاهایی چون «خاک‌برسر» و «ریخت نحس» و کاربردهای «پاشون رو اینجا نذارن»، «این طرفا پیداتون نشه» و «گم بشن» استفاده شده است. مور[۳۳] (۲۰۱۲) با مقایسهٔ فحش و کلمات عامیانه می‌گوید با اینکه هر دو معمولاً در کنار هم دیده و یکی انگاشته می‌شوند، این گونه نیست و فحش و ناسزاها با توجه به بار عاطفی و معنایی-شان «دشواژه[۳۴]» به‌شمار می‌آیند.

برای تعیین میزان رسمی بودن جملات پرسش‌نامه بر مبنای تعداد عناصر زبانی غیررسمی و نیز ارائهٔ پیوستاری از جملات رسمی تا غیررسمی، ابتدا نمرهٔ میزان رسمی بودن هر جمله محاسبه شد. برای تعیین نمرات، سبک رسمی زبان مبنا قرار گرفت و به نمونه‌ای از این سبک، ارزش صفر اختصاص یافت. در مواردی که صورت زبانی از این نمونه به لحاظ تلفظی، واژگانی و ساختاری به‌سوی صورت گفتاری غیررسمی متمایل شود، یک ارزش منفی به آن تعلق می‌گیرد. در عین حال، اگر به‌سوی صورت گفتاری کاملاً رسمی حرکت کند، یک ارزش مثبت به آن داده می‌شود. شایان ذکر است که حرکت به‌سوی انتهای پیوستارِ رسمی بودن، تنها در انتخاب‌های واژگانی رسمی‌تر و ادبی‌تر و عناصر ساختاری‌ای نمود می‌یابد که وجودشان در صورت نوشتاری و گفتاری اختیاری است. جدول (۱) نمرهٔ رسمی بودن جملات پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. به عناصر ساختاری همچون فاعل آشکار در مقابل مستتر، که در زبان فارسی به دو صورت در همهٔ بافت‌ها کاربرد دارد، امتیازی منفی تعلق نگرفته، ولی هنگام تحلیل پاسخ‌های افراد به آن توجه شده است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

جدول ۱. عناصر زبانی نشان‌دار سبکی و ارزش عددی رسمی بودن هر جمله

Table1. Stylistically marked linguistic features and the degree of formality of sentences

شماره	عناصر نشان‌دار سبکی جمله	نمره
۱	(فاعل آشکار)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، هرگز (+ واژگانی)، بازنگردند (+ واژگانی)	+۳
۲	(فاعل مستتر)، بهشون (- تلفظی، تغییر واکه)، برنُ (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وختم (هیچ‌وخت: - تلفظی، تبدیل ق به خ؛ مَ: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۸
۳	(فاعل آشکار)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، بروندُ (واژه بست - ساختاری)	۰
٤	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، گم شن (- اصطلاح عامیانه؛ - تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، دیگه‌م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ مَ: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، برنگردن (- تلفظی حذف د)	-۱۰
٥	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، بایس (- تلفظی)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برنُ (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وقتم (- تلفظی، حذف ه چاکنایی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۱۰
٦	(فاعل مستتر)، (- ساختاری، حذف مفعول غیرمستقیم)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، دیگه‌م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ مَ: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، هیچ‌وخت (- تلفظی، تبدیل ق به خ)، برنگردن (- تلفظی حذف د)	-۸
۷	(فاعل آشکار)، بهشون (- تلفظی، تغییر واکه)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برنُ (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۵
۸	(فاعل آشکار)، اونا (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، ازین (-تلفظی)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برنُ (- تلفظی حذف و، - تلفظی حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وقتم (- تلفظی، حذف ه چاکنایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۸
۹	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، گورشونُ گم کنن (- اصطلاح عامیانه. گورشونُ: - تلفظی، تغییر واکه؛ - ساختاری؛ گم کنن: - تلفظی، حذف د)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، وُ (- تلفظی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، پاشونُ (- تلفظی، حذف ی؛ - تلفظی، تغییر واکه؛ - ساختاری)، نذارن (- تلفظی، حذف گ؛ - تلفظی، حذف د). نقل‌قول غیرمستقیم	-۱۴
۱۰	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، برید (- تلفظی، حذف و)، گم شید (- اصطلاح عامیانه: - تلفظی، حذف و)، بیرونُ (- ساختاری)، دیگه‌م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ مَ: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، پیداتون (- تلفظی، حذف ی؛ - تلفظی، تغییر واکه)، نشه (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، تغییر همخوان). نقل‌قول مستقیم	-۱۳

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

شماره	عناصر نشان‌دار سبکی جمله	نمره
۱۱	(فاعل مستتر)، اون (– تلفظی، تغییر واکه)، خاک‌برسرای کثافت (– اصطلاح عامیانه، – واژگانی. خاک‌برسرا: – تلفظی، حذف ه)، برن گم شن (– اصطلاح عامیانه. برن: – تلفظی، حذف و؛ – تلفظی، حذف د. گم شن: – تلفظی، حذف و؛ – تلفظی، حذف د)، خونه (– تلفظی، تغییر واکه)، نکبت (– واژگانی)، بیرونُ (– ساختاری)، دیگه‌م (دیگه: – تلفظی، تغییر آوایی؛ َم: – تلفظی، حذف ه چاکنایی)، ریخت نحسشونُ (– اصطلاح عامیانه، – واژگانی؛ – تلفظی، تغییر واکه؛ – ساختاری)	۱۸–
۱۲	(فاعل مستتر)، (– ساختاری، حذف مفعول غیرمستقیم)، خونه (– تلفظی، تغییر واکه)، برن (– تلفظی، حذف و؛ – تلفظی، حذف د)، دیگه‌م (دیگه: – تلفظی، تغییر آوایی؛ َم: – تلفظی، حذف ه چاکنایی)، برنگردن (– تلفظی، حذف د)	۷–
۱۳	(فاعل مستتر)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، ترک کنند (+ واژگانی)، هیچ‌گاه (+ واژگانی)، بازنگردند (+ واژگانی)	۴+
۱٤	(فاعل آشکار)، خاک‌برسرهای الاغ (– اصطلاح عامیانه، – واژگانی، خاک‌برسرا: – تلفظی، حذف ه)، که (+ ساختاری، ضمیر موصولی)، هرگز (+ واژگانی)	۱–
۱۵	بابا (– واژگانی)، جون (– تلفظی، تغییر واکه)، بهشون (– تلفظی، ادغام)، خونه (– تلفظی، تغییر واکه)، برن (– تلفظی، حذف و؛ – تلفظی، حذف د)، دیگه (– تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (– تلفظی، حذف د)	۸–

بر مبنای امتیازدهی تلفظی، واژگانی و ساختاریِ جمله‌های پانزده‌گانه، پیوستاری از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین جمله در انگارهٔ (۲) آمده است. جملاتی که نمرهٔ برابری داشته‌اند، با «و» روی پیوستار در کنار هم قرار گرفته‌اند:

۱۳ ۱ ۳ ۱٤ ۷ ۱۲ ۱۵و ۸و٦و۲ ٥و٤ ۱۰ ۹ ۱۱

غیررسمی‌ترین رسمی‌ترین

انگارهٔ ۲. پیوستار رسمی بودن جملات پرسش‌نامه بر مبنای نمره‌دهی به عناصر زبانی

Figure2: Formality continuum of sentences in the questionnaire based on scoring the linguistic features

۴. یافته‌ها

پس از بررسی و مقایسهٔ قضاوت گویشوران از میزان رسمی بودن جملات پرسش‌نامه در سه

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۳۰ تا ۴۰ ساله و ۴۰ تا ۵۰ ساله، پربسامدترین گزینهٔ منتخب مشترک گویشوران از مرتبهٔ هر جمله به‌دست آمد. نتایج در جدول (۲) به تفکیک هر گروه ارائه شده است:

جدول ۲. قضاوت گویشوران نسبت به مرتبهٔ جملات بر پیوستار میزان رسمی بودن
(هر چه مرتبه پایین‌تر است، جمله رسمی‌تر است)

Table2. Speakers' judgments of the sentences ranks on the formality continuum

گروه / جمله	الف- ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)	ب- ۳۰ تا ۴۰ ساله (۲۰ نفر)	ج- ۴۰ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر)
۱	٦٥/٧١ درصد مرتبهٔ ۲	۵۰ درصد مرتبهٔ ۲ و ٤٥ درصد مرتبهٔ ۱	۸۰ درصد مرتبهٔ ۲
۲	۲۲/۸۵ مرتبهٔ ۹ و ۲۰ درصد مرتبهٔ ۵	٤٥ درصد مرتبهٔ ۱۰	٤۲ درصد مرتبهٔ ۷
۳	۷۷/۱٤ مرتبهٔ ۳	٦٥ درصد مرتبهٔ ۳	۸٦/٦ درصد مرتبهٔ ۳
٤	۵۱/٤۲ مرتبهٔ ۱۱	۵۰ درصد مرتبهٔ ۱۱	٦۰ درصد مرتبهٔ ۱۱
۵	۳۱/٤۲ مرتبهٔ ٦	۲۰ درصد مرتبهٔ ۷ و ۳۰ درصد مرتبهٔ ۸	٤٤/٦٦ درصد مرتبهٔ ۸
٦	۳۱/٤۲ مرتبهٔ ۷	۳۰ درصد مرتبهٔ ۹ و ۲۵درصد مرتبهٔ ٦	۲٦/٦ درصد مرتبهٔ ٦
۷	۵٤/۲۸ مرتبهٔ ٤	٦٥ درصد مرتبهٔ ٤	٦۰ درصد مرتبهٔ ٤
۸	٤۰ درصد مرتبهٔ ۵	٤٥ درصد مرتبهٔ ۵	۵۳/۳ درصد مرتبهٔ ۵
۹	۳۱/٤۲ درصد مرتبهٔ ۱۳	۵۰ درصد مرتبهٔ ۱۲ و ٤۰ درصد مرتبهٔ ۱۳	٤٦/٦ درصد مرتبهٔ ۱۳
۱۰	٤۲/۸۵ درصد مرتبهٔ ۱۳	۵۰ درصد مرتبهٔ ۱۳	٤۰ درصد مرتبهٔ ۱۲
۱۱	٤٥/۷۱ درصد مرتبهٔ ۱۵	۵۰ درصد مرتبهٔ ۱۵	٤٦/٦ درصد مرتبهٔ ۱۵
۱۲	۲۰ درصد مرتبهٔ ۷ و ۲۰ درصد مرتبهٔ ۸	۲۵ درصد مرتبهٔ ۷	۲٦/٦ درصد مرتبهٔ ۹
۱۳	٦۸/۵۷ درصد مرتبهٔ ۱	۵۵ درصد مرتبهٔ ۱	۸۰ درصد مرتبهٔ ۱
۱٤	۵۱/٤۲ درصد مرتبهٔ ۱٤	۵۰ درصد مرتبهٔ ۱٤ و ٤٥ درصد مرتبهٔ ۱۵	٦۰ درصد مرتبهٔ ۱٤
۱۵	۳٤/۲۸ درصد مرتبهٔ ۱۰	۳۰ درصد مرتبهٔ ٦	٦۰ درصد مرتبهٔ ۱۰

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

در مرحلهٔ بعد بر مبنای این نتایج، پیوستار میزان رسمی بودن جملات مبتنی بر قضاوت بیشتر گویشوران هر گروه ترسیم شد. انگاره‌های (۳)، (٤) و (٥) این پیوستارها را نمایش می‌دهد:

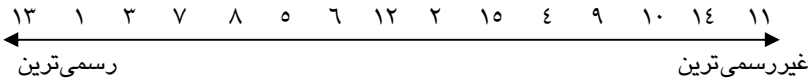

انگارهٔ ۳. پیوستار رسمی بودن جملات مبتنی بر پربسامدترین گزینهٔ مشترک گروه الف (۲۰-۳۰ ساله)

Figure3: Formality continuum based on the most frequent common choice in group A (age: 20-30)

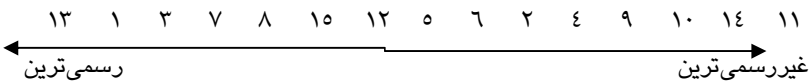

انگارهٔ ۴. پیوستار رسمی بودن جملات بر اساس پربسامدترین گزینهٔ مشترک گروه ب (۳۰-٤۰ ساله)

Figure4: Formality continuum based on the most frequent common choice in group B (age: 30-40)

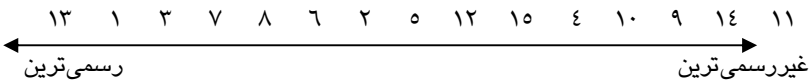

انگارهٔ ۵. پیوستار رسمی بودن جملات مبتنی بر پربسامدترین گزینهٔ مشترک گروه ج (٤۰-٥۰ ساله)

Figure5: Formality continuum based on the most frequent common choice in group C (age: 40-50)

۵. بحث و نتیجه‌گیری

رسمی‌ترین جملات پرسش‌نامه، یعنی سه جملهٔ ۱، ۳ و ۱۳، در پیوستار مبتنی بر نمره‌دهی به عناصر زبانی (انگارهٔ ۲)، به‌ترتیب در مرتبه‌های یکم تا سوم قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه تفاوت اصلی این سه جمله در انتخاب‌های واژگانی است، تأثیر انتخاب‌های واژگانی بر ادراک گویشوران از میزان رسمی بودن یک جمله تأیید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که واژه‌های ادبی‌تر، به‌عنوان رسمی‌تر قضاوت شده‌اند: «هیچ‌وقت، هرگز، هیچ‌گاه»، «بروند، ترک کنند» و «برنگردند، باز نگردند». جملهٔ ۱۳ سه واژهٔ ادبی «هیچ‌گاه»، «ترک کنند» و «باز نگردند» را دربردارد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

در پیوستار مبتنی بر نمره‌دهی به عناصر زبانی (انگارهٔ ۲)، مرتبهٔ چهارم به جملهٔ ١٤ با ارزش عددی (۱-) اختصاص دارد؛ در حالی که جملهٔ ١٤ در قضاوت گویشوران هر سه گروه، در مرتبهٔ ١٤ قرار گرفته است. ویژگی زبانی بارز جملهٔ ١٤ وجود ناسزاست. جمله‌ای که به لحاظ تلفظی و ساختاری منطبق بر فارسی نوشتاری معیار است، ولی ناسزاهای «خاک‌برسر» و «الاغ» در آن گنجانده شده‌است. همان طور که جدول (۱) نشان می‌دهد- با توجه به اینکه به هر یک از عناصر زبانی نشان‌دار به لحاظ سبکی، یک امتیاز مثبت و یا منفی اختصاص می‌یابد- جملهٔ ۱۱ با ۱۸امتیاز منفی، با اختلاف زیادی از دیگر جملات، غیررسمی‌ترین جمله به‌شمار می‌آید و در مرتبهٔ ۱۵ قرار می‌گیرد. این در حالی است که جملهٔ ١٤ تنها با یک امتیاز منفی، در مرتبهٔ ٤ قرار می‌گیرد که نشان-دهندهٔ تأثیرپذیری بسیار قضاوت گویشوران از عناصر واژگانی نشان‌دار سبکی (همچون ناسزا) و توجه کمتر به عناصر تلفظی و ساختاری است. بنابراین، این فرضیه که تعداد عناصر زبانی رسمی یا غیررسمی نقشی اصلی در قضاوت جایگاه یک جمله در پیوستار میزان رسمی بودن ایفا می‌کند، در این مورد رد می‌شود. از این رو، درک گویشوران از میزان رسمی بودن جمله ارتباط تنگاتنگی با رعایت ادب در تعامل زبانی دارد.

مطابق انگارهٔ (۲)، پیوستار ارزش عددی عناصر زبانی جملهٔ ۷ در مرتبهٔ ۵ قرار می‌گیرد. بررسی پاسخ شرکت‌کنندگان در این پژوهش در هر سه گروه نشان می‌دهد که پربسامدترین مرتبهٔ نسبت داده‌شده به این جمله ٤ است. علت این تفاوت وجود جملهٔ ١٤ در مرتبهٔ چهارم، بر طبق ارزش عددی است که به عناصر جمله اختصاص داده شده، با قضاوت گویشوران از میزان رسمی بودن این جمله همخوانی ندارد. از طرف دیگر، جملهٔ ۸ در هر سه گروه از گویشوران، پربسامدترین گزینه برای جایگاه ۵ بوده است. علت این امر نیز شباهت زیاد ساختاری و واژگانی در میان جمله‌های ۷ و ۸ است. به‌نظر می‌رسد غالب گویشوران این دو جمله را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

جملهٔ ۱۲ «گفتم از این خونه برن دیگه‌م بر نگردن» که بر مبنای پیوستار ارزش عددی در مرتبهٔ ششم قرار دارد، در قضاوت گویشوران در گروه‌های الف، ب و ج در مرتبه‌های ۸ ، ۷ و ۹ مشاهده می‌شود. ویژگی بارز این جمله در مقایسه با سایر جملات، کوتاه بودن آن است که از حذف مفعول غیرمستقیم و نبود عنصر قیدی ناشی می‌شود. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حذف عناصر ساختاری بر قضاوت گویشوران تأثیرهای متفاوت می‌گذارد.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

در جمله‌های ۹ و ۱۰ به‌ترتیب از دو عبارت عامیانهٔ «گورشونُ گم کنن» و «برین گم شین» استفاده شده که هر دو ناسزا به‌شمار می‌آیند، ولی یکی به‌صورت نقل‌قول غیرمستقیم و دیگری نقل‌قول مستقیم بیان شده است. در پیوستار ارزش عددی عناصر زبانی، جملهٔ ۹ (۱٤-) در مرتبهٔ ۱٤ و جملهٔ ۱۰ (۱۳-) در مرتبهٔ ۱۳ قرار می‌گیرد. با وجود این، در قضاوت گویشوران گروه الف و ب، جملهٔ ۱۰ غیررسمی‌تر قضاوت شده است. به‌نظر می‌رسد نقل‌قول مستقیمِ عبارت توهین‌آمیز در قضاوت گویشوران، غیررسمی‌تر شناخته می‌شود و با ادب کمتری همراه است.

دو جملهٔ ٤ و ٥ که به لحاظ ارزش عددی عناصر زبانی برابر و در مرتبه‌های ۱۱ و ۱۲ قرار می‌گیرند، در قضاوت گویشوران از یکدیگر فاصله دارند؛ جملهٔ ٤ در مرتبهٔ ۱۱ و جملهٔ ٥ در مرتبهٔ ٦ و ۸ قرار گرفته است. علت این امر را می‌توان به وجود عبارت عامیانهٔ توهین‌آمیز «برن گم شن» در جملهٔ ٤ نسبت داد. در این مورد نیز تأثیر بیشتر عناصر واژگانی ناسزا بر قضاوت گویشوران تأیید می‌شود.

در جملهٔ ۱٥، از عبارت «بابا جون» استفاده شده است. این جمله در گروه الف و ج در مرتبهٔ ۱۰ و در گروه ب در مرتبهٔ ٦ قرار گرفته و این به‌سبب محتوای عاطفی آن است. به عبارت دیگر، محبت و صمیمیت بر قضاوتِ میزان رسمی بودن جملات تأثیر می‌گذارد.

نکتهٔ جالب توجه دیگر، در مقایسهٔ مرتبهٔ جمله‌های ۲ «من بهشون گفتم بایس برن هیچ‌وقتم دیگه بر نگردن» و ٥ «گفتم بشون بایس برن از این خونه اُ هیچ‌وقتم دیگه برنگردن» آشکار می‌شود. با اینکه بر مبنای پیوستار ارزش عددی رسمی بودن، جملهٔ ۲ از جملهٔ ٥ رسمی‌تر است، در دو گروه الف و ب، جملهٔ ٥ از جملهٔ ۲ رسمی‌تر قضاوت شده است. تبیین این موضوع را می‌توان در اهمیت برخی تغییرات تلفظی به برخی دیگر دانست. به‌نظر می‌رسد در قضاوت غالب گویشوران، اهمیت تغییر تلفظی تبدیل یک آوا به آوای دیگر (که در نمونهٔ «هیچ وقتم» و «هیچ وختم» دیده می‌شود) بیشتر از تغییر تلفظی ناشی از حذف یک آواست (در نمونهٔ «بهشون» و «بشون»).

بنا بر آنچه شرح داده شد، فرضیهٔ اول مبنی بر امکان محاسبهٔ نمرهٔ میزان رسمی بودن جمله بر اساس تعداد عناصر نشان‌دار سبکی تأیید می‌شود. ولی قضاوت گویشوران تنها بر مبنای تعداد تغییرات و انباشت عناصر زبانی نشان‌دار سبکی صورت نمی‌گیرد. انتخاب‌های واژگانی مانند استفاده از واژه‌های عامیانه و ناسزا در مقایسه با تغییرات تلفظی، تأثیر بیشتری بر قضاوت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

گویشوران می‌گذارد، تا جایی که سایر عناصر زبانی اهمیت سبکی خود را از دست می‌دهد. تأثیر استفاده از ناسزا بر قضاوت گویشوران را می‌توان به رابطهٔ بسیار نزدیک بین ادب و رسمی بودن مرتبط دانست که با آرای ترادگیل (۱۳۷۶) و رضایی (۱۳۸۳) همسوست.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، تأثیر عناصر واژگانی بر قضاوت گویشوران بیشتر از سایر عناصر است و از طرفی، برخی تغییرات تلفظی مانند تغییر آوا اهمیت بیشتری از تغییر تلفظی ناشی از حذف آوا دارد. به این ترتیب، فرضیهٔ دوم پژوهش مبنی بر اهمیت بیشتر برخی از ویژگی‌های زبانی در ادراک گویشوران از میزان رسمی بودن جمله تأیید می‌شود. این نتیجه‌گیری با نظریات گلاس (۱۹۸۸) و پلات و دیگران (۱۹۹۲) هم‌راستاست.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. P. Baker
2. sociolinguistic variety
3. register
4. style
5. class dialects
6. P. Kerswill
7. H. Platt
8. perceptual dialectology
9. D. R. Preston
10. folk linguistics
11. F. Heylighen
12. J. M. Dewaele
13. N. Gelas
14. Colloquial
15. N. P. Himmelmann
16. literary
17. colloquial
18. planned
19. unplanned
20. written
21. spoken
22. language attitude
23. B. E. Evans
24. D. Starks
25. W. Labov

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

26. D. Bayard
27. J. Holmes
28. A.Bell,
29. S. Lahiri
30. C. T. Hodge
31. J. McCrimmon
32. swear words
33. R. Moore
34. taboo

۷. منابع

- اسمعیلی، اصغر (۱۳۹٤). « الگوهای زبانی غیر معیار فارسی در مکاتبات اداری». ***جستارهای زبانی***. د٦، ش ۷ (پیاپی ۲۸)، صص۱-۳۲.
- افخمی، علی و ضیاءالدین قاسمی (۱۳۸۸). «سبک‌های زبانی در فارسی و نمود ادبی». ***پژوهش‌های زبان‌های خارجی***. ش ۵۵. صص ۵-۱۷.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷٦). ***زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه***. ترجمهٔ محمد طباطبایی. تهران: آگه.
- حاجی‌کاظمی، ندا (۱۳۸۳). «بررسی رعایت ادب در کنش‌های بیانی زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟». ***نامهٔ فرهنگستان***. ش۲۳. د ٦. ش ۳. صص ۲۰- ۳۵.
- صفارمقدم، احمد (۱۳۸۸). «مقایسهٔ عنصر ادب در زبان‌های کره‌ای و فارسی». ***تحقیقات فرهنگی***. د ۲. ش ۱. صص ۷۷-۹۷.
- عباسی، مجید (۱۳۹۰). «مقایسهٔ فرایندهای واژه‌سازی در گونهٔ علمی و محاورهٔ زبان فارسی». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشکدهٔ زبان‌های خارجی.
- غفارثمر، رضا و الهام یزدان‌مهر (۱۳۹۱). «تحلیل گونه‌های واژگانی- نحوی بیان آینده در زبان فارسی زیر تأثیر عوامل اجتماعی». ***زبان و زبان‌شناسی***. د ۸. ش ١٦. صص ۹۵-۱۱٤.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

- وارداف، رولاند (۱۳۹۳). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان***. ترجمهٔ رضا امینی. تهران: بوی کاغذ.

References:

- Abbassi, M. (2011). *Comparison of Lexical Formation Processes in Scientific and Colloquial Varieties of Persian Language*. M.A. Thesis, Foreign Languages Department, Isfahan University. [In Persian].
- Afkhami, A. & S. Z. Ghasemi (2009), "Language styles in Persian and their literary representation". *Foreign Language Studies*. No. 55. Pp. 5-17. [In Persian].
- Baker, P. (2010). *Sociolinguistics and Corpus Linguistics*. Edinburgh University Press.online: *http://www.ling.lancs.ac.uk/staff/paulb/socioling.htm*.
- Bayard, D. (1995). *Kiwitalk.* Palmerston North: Dunmore Press.
- Crystal, D. (2008). *Dictionary of Linguistics and Phonetics.* Sixth edition.USA: Blackwell.
- Dabagh, A. & A. Mirzaian (2010). "Patterns of speech accommodation and lexical formality in telephone conversations of Persian native speakers". *Global Journal of Human-Social Science Research*, *10*(2).
- Eco, U. (1977). *A Theory of Semiotics*. Indiana University Press, Bloomington.
- Esmaeli, A. (2016). "Non-standard patterns in Persian business correspondence". *Language Related Research.* Vol.6, No.7 (Tome 28), pp. 1-32. [In Persian].
- Evans, Betsy E. (2002). "Attitudes of montreal students towards varieties of French". In Long and Preston (eds) *The Handbook of Perceptual Dialectology*. Vol 2. Pp. 71-94.
- Fromkin, V. R R. & N. Hyams (2013), *An Introduction to Language*. Cengage Learning

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

- Gelas, N. (1988). "Dialogues authentiques et dialogues romanesques", in: Echanges sur la conversation, Editions du CNRS. Paris.Pp.323-333.[In Persian].
- Ghaffar Samar, R. & E. Yazdan Mehr (2012), "Analyzing morpho-syntactic variants of future expression influenced by social factors In Persian", *Language and Linguistics*. Vol. 8. No 16. Pp. 95-114. [In Persian].
- Haji Kazemi, N. (2004*). Linguistic Analysis of Politeness In Persian Speech Acts.* M.A. Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Unit. [In Persian].
- Hasan, R. (1973). "Code, register and social dialect". Class, Codes and Control. Vol 2, *Applied Studies towards a Sociology of Language*. by Basil Bernstein. Pp. 224-254.
- Heylighen, F. & J. M. Dewaele (1999), "Formality of language: definition, measurement and behavioral determinants". *Interner Bericht, Center "Leo Apostel", Vrije Universiteit Brüssel*.
- Himmelmann, N. P. (2005). Documentary and Descriptive Linguistics (full version). Available online: *http://www.hrelp.org/events/workshops/eldp2005/reading/himmelmann.pdf*.
- Hodge, C. T. (1957). "Some aspects of Persian style". *Language*. *33*(3).Pp. 355-369.
- Holmes, J. & A. Bell (1988). "Learning by experience: notes for New Zealand social dialectologists". *Te Reo: Journal of the Linguistic society of New Zealand*. *31*. Pp. 33-41.
- ---------- (1988). "Learning by experience: notes for New Zealand social dialectologists". *Te Reo: Journal of the Linguistic society of New Zealand*. *31*. Pp. 33-41.
- *http://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1045721.html*
- Jakobson, R. (1987). "Linguistics and poetics. In R. Jakobson". *Language in Literature*. Harvard University Press, Cambridge, MA. Pp. 62-94.
- Joos, M. (1967). *The Five Clocks* (Vol. 58). New York: Harcourt, Brace & World.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

- Kerswill, P. (2004). "Social dialectology/Sozial dialektologie. In Klaus Mattheier". Ulrich Ammon & Peter Trudgill (eds.) *Sociolinguistics/Soziolinguistik. An International Handbook of the Science of Language and Society*, 2nd ed.Vol 1. Berlin: De Gruyter. Pp.22-33.
- *(www.lancaster.ac.uk/fss/.../Kerswill2004socialdialectologypdf.pdf*).
- Khojasteh, A. B. & V. Nadernia (2016), "A Comparative study of colloquial language utterances in three Persian translations of English novel by McCrimmon's model". *Journal of Exploratory Studies in Law and Management*, *3*(1).
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.
- Lahiri, S.; P. Mitra & X. Lu (2011, February). "Informality judgment at sentence level and experiments with formality score". In *International Conference on Intelligent Text Processing and Computational Linguistics* (Pp. 446-457). Springer Berlin Heidelberg.
- Louwerse, M. M. (2004). "Semantic variation in idiolect and sociolect: Corpus linguistic evidence from literary texts". *Computers and the Humanities*, *38*(2).Pp. 207-221.
- McCrimmon, J. (1963).*Writing With a Purpose* (third ed.) New York: Houghton. pp 137-138.
- Modarresi, Y. (2012). *An Introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Moore, R. (2012). "On swear words and slang". *American Speech*. 87(2).
- Platt, H.; H. Platt & J. C. Richards (1992*), Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*. Essex: Longman.
- Preston D. R. (ed.) (1999). *A Handbook of Perceptual Dialectology*. Amsterdam: Benjamins. [A bibliography of works devoted principally to perceptual dialectology.]

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]

- Rezaei, V. (2004). "What is standard language and what are its features?". *Nameyeh Farhangestan*. No. 23, 3/6. Pp. 20-35. [In Persian].
- Saffar Moghaddam, A. (2009). "Comparison of politeness in Persian and Korean". *Iran Journal of Cultural Research*. Nol. 2. No. 1. Pp. 77-97. [In Persian].
- Starks, D. & Z. McRobbie-Utasi (2001), "Collecting sociolinguistic data: Some typical and some not so typical approaches". *New Zealand Sociology*. *16*(1).Pp. 79-92.
- Trudgill, P. 9 (1997). *Sociolinguistics, an Introduction to Language and Society*, translated by M. Tabatabaei. Tehran: Agah .[In Persian].
- Wardhaugh, R. *(2014). An Intoduction to Sociolinguistics*. Tranlated by Reza Amini, Tehran: Bouye Kaghaz. [In Persian].
- Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge University Press.
- Wolfram, W. (1969). *A Sociolinguistic Description of Detroit Negro Speech*. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-04-20]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.7.9.9]